

## پلاتفرم سیاسی و ایدئولوژیک چپ در کردستان (بخش پنجم و آخر)

از: رضا مصطفی سلطانی

### احزاب کلاسیک

الیتسیم (نخبه گرایی)، متمرکز کردن قدرت در دست نخبگان و متخصصین و کاهش یافتن میزان کنترل و حسابرسی از جانب مردم از طرفی و علاقه و تمایل هرچه بیشتر افسار و گروه مردم برای دخالت در سیاست و سهم شدن در قدرت از طرف دیگر دو وجه بارز و متضاد تحولات دموکراسی در شرایط کنونی است.

دو دلیل عمده برای غیر فعال بودن و به حاشیه رانده شدن احزاب سیاسی کلاسیک موجود است. دلیل اول فقدان بحث ایدئولوژیک و ارائه بینشهای نسبتاً درازمدت است. امروز بیشتر مسائل و مشکلات روز و چگونگی حل و برطرف کردن آنها (تاکتیکها) مورد بحث قرار میگیرد. بحث و تقابل بینشهای گوناگون، مثلاً جامعه تا 20-30 سال آینده به کدام طرف هدایت شود، ساکت و غایب است. دلیل این امر کاملاً آشکار است، ایدئولوژیهای که در نیمه دوم قرن 1800 میلادی شکل گرفته اند توانایی جوابگویی به مسائل و مشکلات امروز را ندارند.

بی اعتمادی، بی تفاوتی سیاسی و پاسیفیسم و عدم شرکت در انتخابات در کشورهای اروپایی روبه افزایش است. احزاب موجود از توضیح علل این پروسه سیاسی عاجزند. عدم احساس تعلق و هواداری از حزبی معین در میان تعداد هر چه بیشتری از مردم رو به افزایش است. میزان هواداران و رای دهندگان يك حزب سوئدی از 50 درصد در انتخابات سال 1950 به 19 درصد در انتخابات سال 1998 کاهش یافت. فاصله ایدئولوژیک بین حزب سوسیال دمکرات و حزب مودرات (راست) در طی این مدت هر چه بیشتر کاهش یافته، و شاید این باعث کاهش تعداد هواداران هر دو حزب شده است. وزن و اهمیت مسائل سیاسی روز در مقابل مواضع سیاسی- ایدئولوژیک بیشتر شده است. تعداد رای دهندگان غیر حزبی که دارایی علایق سیاسی شفاف و روشنی هم هستند از 14 درصد در سال 1968 به 28 درصد در سال 1998 افزایش یافته است.

این گروه رو به رشد انتخاب کننده که جهتگیری انفرادی (ایدئودوالیستی) دارند میتوانند جذب يك سیستم دموکراسی مستقیم که بر احزاب و تشکلهای دمکراتیک موجود استوار و متکی نیست، شوند.

30 درصد از مردم سوئد که هیچ تعلق به احزاب ندارند در انتخابات و رای گیری شرکت میکنند. ارتباط احزاب سیاسی با این گروه روز به روز کاهش مییابد و علاقه آنها به سیاستی که از جانب احزاب عرضه میشود کم و کمتر میشود. در کشورهای که دموکراسی با تلاش، فعالیت و حول احزاب کلاسیک شکل گرفته و ساخته شده است به همان اندازه باید بیشتر نگران بود. در ایران و کردستان به دلیل دیکتاتوری، سرکوب و عدم آزادی چنین آماری در مورد احزاب ایرانی و کردستانی موجود و یا معتبر نیستند. علیرغم اختلافات زیادی بین جوامع اروپایی با ایران از لحاظ سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بین احزاب ایرانی و اروپایی تشابهات زیادی از لحاظ بن بست سیاسی و فکری حاکم بر آنها موجود است.

احزاب چپ و سوسیالیست با مشکلات آشکار و واضحی روبرو هستند. سائترالیسم دمکراتیک و عدم استقلال اعضا و کادرها در بیان نظرات خود یکی از این مشکلات است. تعداد چشمگیری از رهبران احزاب از نفوذ معنوی وسیع و عمیق در میان اعضا و دوستان حزب برخوردار نیستند. اینها با شهروندان توانا و فعال امروزی که خواهان فضای

باز و گشوده در حزب و جامعه هستند و خواهان افزایش میزان نفوذ و تاثیرگذاری و دخالتگری خود در حزب و جامعه هستند همخوانی ندارد. احزاب راست نیز در سیاستهای خود تجدیدنظر کرده و از عده ای از خواستها و شعارها که قبلاً مختص احزاب چپ و سوسیال دمکرات بود، مثل رفاه، افزایش مالیات بر درآمد در تبلیغات خود استفاده می کنند. فاصله و تفاوت سیاستهای احزاب میانی کمتر شده است. چند حزبی نیز در مباحث و جهتگیریهای خودشان بیشتر بطرف حزبی کوچکتز و کمونیست ناپ میروند و با تمام توانشان از تر و تئوریهای که هرگز عملی نشده است دفاع میکنند و توانایی جذب ناراضیان احزاب دیگر را ندارند. این احزاب به محافلی "روشنفکری" که سر در لاک خود فرو برده و مشغول بحثهای بی پایان خود هستند و از سازمان دادن یک اعتراض چند ده نفری عاجزند، تبدیل شده اند و هر روز کوچکتز می شوند.

شرط لازم باز یافتن انگیزه فعالیت برای افرادی که از این احزاب فاصله میگیرند چیست؟ وجود تشکلهای و ارگانها با بنیادی دمکراتیک تر (کمتر از مرکز هدایت شوند) و بوجود آوردن شرایطی که انسانها در این تشکلهای احساس کنند که در کار و تصمیمات حزب نقش، نفوذ و دخالت دارند و امکان تاثیرگذاری آنها بیشتر و بیشتر می شود، بسیار ضروری است.

حزب جدید باید بر پایه ای کاملاً دمکراتیک (غیر سانترالیست) ساخته شود و برای فراهم آوردن امکان دخالتگری، نفوذ و تاثیرگذاری شهروندان در سیاست تلاش جدی به عمل آورد.

در احزاب موجود تعداد دوستداران و هواداران مومن حزب روز به روز کاهش مییابد در مقابل به همان اندازه جوانان تازه نفس جذب نمی شوند. بحران در این احزاب ناشی از سیاستها و رهبری ابدی و غیر قابل تغییر احزاب است. چگونگی نجات این احزاب از وضع موجود به غیر از مواردی محدود و موقت غیر قابل پیش بینی است.

یا فشاری بیش از حد روی شفافیت ایدئولوژیک و عدم تمایل به سازش، مصالحه و دیالوگ در میان رهبران این احزاب در خیلی موارد آنها را در بن بستهای سیاسی و عدم امکان همکاری با احزاب برادر و تشکیل جبهه و اتحاد عمل، قرار میدهد.

## شرایط و ملزومات تشکیل حزب چپ کردستان

آیا واقعا تشکیل حزب جدیدی و یا شکل دیگری از شیوه اتخاذ تصمیمات سیاسی لازم است؟

چه شرایطی برای تشکیل و یا بازسازی حزب چپ امروزی در کردستان موجود است؟

اهداف این حزب را چگونه میتوان فرموله کرد؟

یکی از ایده های مطرح و مور بحث جنبش شهروندی (مدنی) و دمکراسی شهروندی بجای دمکراسی حزبی است. حزب و یا احزاب جدید لازم نیست که در تقابل جنبشهای مدنی قرار گیرد بلکه میتوانند مکمل همدیگر باشند.

حزب چپ جدید میتواند تمام افرادی را که خود را چپ میدانند و به دلایل متعدد در هیچکدام از احزاب موجود عضو نیستند و از جانب این احزاب نماینده گی نمی شوند، و تعداد زیادی از اعضای احزاب چپ موجود که علیرغم اختلاف سیاسی و فکری با حزب خود هرکدام به دلایلی کماکان تعلق تشکیلاتی خودشان را حفظ کرده اند را در خود جای دهد. علاوه بر این مهم است که گروه رو به افزایش (ایندویدوالیستها) انفرادگرایان را که علاقمند به شرکت و دخالت در مسائل سیاسی و اجتماعی هستند بدون اینکه الزاما عضو حزبی باشند را نیز به خود جذب کند. یافتن مکانیزی برای همکاری این افراد با احزاب کار دشواری نیست به شرطی که هدف پیشبرد امور سیاسی و اجتماعی باشد نه صرفا عضوگیری و رقابت احزاب روی قدرتی که قرار است در آینده مردم به نمایندهگان منتخب دوره‌ای خود تفویض کنند.

حزب جدید از جانب مجموعه زیادی از این افراد که اکنون در حزبی فعال و متشکل نیستند ولی شدیداً به مسائل سیاسی و اجتماعی علاقمندند تقویت خواهد شد. تعداد اعضای این حزب همیشه از تعداد افرادی که به این حزب سمپاتی دارند، جهتگیری حزب را درست می دانند، و به حزب رای میدهند کمتر خواهد بود. رای دهندگان و هواداران برای زنده نگاه داشتن بحثها و عضوگیرهای آینده بسیار نقش مهمی را بازی می کنند. هر چه تعداد هواداران و دوستداران حزب بیشتر باشد به همان اندازه خواست و توقع از رهبران و نمایندهگان حزب و پیامهای سیاسی آنها بیشتر و بیشتر می شود.

حزب باید دمکراتیک باشد و امکان عملی تاثیرگذاری و دخالت مستقیم را برای اعضایش فراهم کند. رای گیری از اعضا در مورد مسائل مهم مورد بحث در حزب مثل مندی دائمی استفاد خواهد شد.

پراکنده گی، تشتت و بی اعتمادی ناشی از شکستها و بن بستهای سیاسی متعدد برجسته است، عدم جواب و تاکتیک مناسب برای مسائل سیاسی موجود خصوصا با توجه تغییرات سریع سیاسی، اقتصادی، فکری، فرهنگی و تکنیکی در سطح دنیا، افتضاحات مالی در جامعه و احزاب سیاسی،

و...

شرایط تشکیل حزبی قابل اعتماد، با مسئولیت، دمکراتیک، مدرن و امروزی که دیالوگ، مسئولیت پذیری و جوابگویی را از سیاستمداران منتخب برای دوره‌ای چند ساله (نه چند ده ساله) می طلبد، حزبی که بتواند فضای سیاسی خالی که رشد کرده است را پر کند، فراهم کرده است. کار سیاسی حرفه‌ای کاری طاقت فرساست، باید سیاستمداران خواه ناخواه بعد یک یا دو دوره از جانب انتخاب کنندهگان عوض شوند. ماندگار شدن عده‌ای در راس قدرت خطر سو استفاده از قدرت و فساد سیاسی و مالی را افزایش میدهد.

آیا نیاز و فضای سیاسی برای حزبی که بر پایه ای آزادتر از گذشته، چپ را زنده و فعال کند موجود است؟ چنین حزبی چطور در اولین قدمهای خود با دنیای کنجکاو، منتقد و کنترل کننده امروز روبرو میشود؟

## احیاء کردن یا انشعاب؟

سوالی جدی و اساسی این است که چپ چطور قوی خواهد شد و در این صورت به چه شیوه های؟ آیا سر نوشت حزبی آزاد، متحمل در مقابل نظرات گوناگون و کوشا برای همزیستی با نظرات متنوع الزاما انشعاب است؟ آیا زنده کردن چپ، مشتاق کردن و مخاطب قرار دادن رای دهندهگان (هواداران)، چپهای منفرد که در چنین فضای سیاسی

تشکیلات مناسبی برای خود پیدا نمیکنند ممکن است؟ آیا حزب جدید میتواند همزیستی نظرات مختلف و توافق و وحدت عمل را همزمان در مسائل اصولی و اساسی را تضمین کند.

چرخیدن عده زیادی از طرفداران جبهه چپ بطورکلی بطرف راست و احزاب راست نشان دهنده مشکلی اساسی است. عده ای از احزاب چپ ضعیف تر شده و در مقابل این تغییر و تحولات به دفاع صرفا ایدئولوژیک پناه برده اند و سرسختانه از تز و تئوریهای نیمه دوم قرن 1800 دفاع میکنند. احزاب سوسیالیست نیز میانه رو شده اند و مرز بین احزاب میانه رو روبه نابودی است.

همزمان بین احزاب چپ و سوسیالیست يك خلاء سیاسی ایجاد شده که میتواند به وسیله يك نیروی چپ امروزی پر شود. در صورت عدم حضور چنین نیروی ریسک چرخیدن هر چه بیشتر فضای سیاسی بطرف راست بیشتر و بیشتر میشود. در این صورت احتمال پاسیو شدن انسانهای چپ، از دست دادن علاقه به سیاست و جذب احزاب راست شدن بیشتر می شود.

شرایط برای تشکیل يك یا چند حزب جدید فراهم است. شرایط لازم برای حزبی که مسئله دمکراسی و عدالت را در دستور خود دارد و يك جنبش قوی سیاسی و اجتماعی را زنده کرده به پیش ببرد فراهم است.

چنین نیروی سیاسی باید اکتیو، اهل عمل و به اندازه کافی وسیع و در بر گیرنده باشد تا بتواند مباحث اجتماعی و سیاست فعال و دخالتگر را دوباره زنده کند و نیروی اجتماعی وسیعی را دور خود جمع کند. همان کاری که کومهله در ابتدای شروع فعالیت علنی خود کرد.

عدهای برای توجیه عدم پیشرفت کومهله و حزب کمونیست در 27 سال گذشته بحث شرایط انقلابی آندوره را مطرح میکنند. دورانی که حکومت دیکتاتور توانایی حکومت را از دست داده و مردم هم بطور وسیع خواهان دخالت در حکومت و سرنوشت خود هستند. ولی متأسفانه اکثرا به دلیل عدم برنامه ریزی قبلی و هماهنگی و همکاری بین نیروهای سیاسی حرکات خودبه خودی و غیر قابل کنترل بر فضا حاکم میشود. تا کنون در تمام دنیا و در درازمدت تمام حرکات از قبیل که مثل انقلاب، قیام، رستاخیز راپرین نام برده میشوند کمتر به نفع ستمدیدهگان تمام شده است، بلکه ستمگران با برنامه توانسته اند بعد از مدتی نه چندان طولانی مردم را به خانه بفرستند و حکومت را از سر بگیرند. طبعاً شرایط انقلابی نقش مهمی راداشته و خواهد داشت. اما عدم شرایط انقلابی به هیچوجه توجیه کننده سیاستها و تاکتیکهای نادرست این دوستان در دوران شرایط غیر انقلابی و عقب نشینی جنبشهای وسیع و توده ای نیست. صرفا برجسته کردن بحث شرایط انقلابی بیان بخشی از واقعیت است از طرفی و تلاشی است برای پنهان کردن خطاها و کمبودهای سیاسی این دوران غیرانقلابی از طرف دیگر. آیا مدافعین این نظریه توده ای شدن پ.ک.ک. را در کردستان ترکیه که همواره در معرض وحشیانه ترین کشتار و شکنجه و اختناق بوده و شرایط غیر انقلابی بوده را چطور توضیح میدهند؟ آیا غیر از اینست که پ.ک.ک. توانسته در شرایطی کاملاً غیر انقلابی خواست و نیاز مبارزاتی مردم را فرموله کرده و آنها را در دستور کار خود قرار دهد و مردم خواستهای خودشان را در سیاستهای این حزب می بینند. نقطه عزیمت پ.ک.ک. نیازمندیها و خواست جنبش حق طلبانه و اسقلال طلبانه مردم کرد بوده و نه تئوری و تزهای از قبل نوشته شده تعدادی "روشنفکر" تحت نام برنامه حزب.

هدف در اینجا نه مخالفت با هر نوع برنامه ای برای حزب است و نه دفاع و توجیه تمامی سیاستهای پ.ک.ک. بلکه نشان دادن اختلاف دو شیوه نگرش (بۆچوون) به امر نیازمندیها و خواستهای مبارزاتی مردم در جامعه ای معین است.

**بؤچوون** اولی عبارت است از فرموله کردن علایق و تراوشتات فکری خود (و یا رونویسی برنامه احزاب اروپایی) تحت نام برنامه حزب و تلاش برای هدایت مبارزات زنده و موجود (در هر شرایطی اعم از انقلابی و غیر انقلابی) جامعه بر مبنای آن برنامه مقدس.

**بؤچوون** دوم از نیاز و توان مبارزاتی مردم حرکت میکند (مثل کومله در سالهای اول آغاز فعالیت علنی که هنوز به تئوریهها هسته سهند هوادار گروه آرمان "مجهر" نشده بود) نه از بلندپروازیهای ظاهرآ تند و چپ و در عمل پاسیو و فراری از سازمان دادن مبارزات واقعی و موجود (مثل منصور حکمت و یارانش در دستگیرهای سال 1360 به تئوری مارکسیسم انقلابی از تهران به کردستان فرار کردند اما کادرهای کومله مثل بیژن چهرازی (عمو)، ایران خاکسار، سعید یزدیان، امین رنجبر، مظفر کمانگر، طیب عباسی روح الهی، مسعود مدرسی، دایی و دهها نفر دیگر ماندن و اعدام شدند. و یا در سال 1368 با پایان یافتن جنگ ایران و عراق که امکان توطیه بین المللی مجدد برای جنبش کردستان بسیار محتمل بود منصور حکمت، کانون کمونیسم کارگری و هوادارانش این بار با تئوری کمونیسم کارگری برای رهایی از شر کومله و جنبش کردستان هیولای ناسیونالیسم را در کومله یافتند و بجای فکری به حال جنبش کردستان در آن شرایط دشوار و یا حتی به قول خودشان نجات کومله از دست ناسیونالیستها فرار را بر قرار ترجیح دادن. در حرف سوپر چپ شدند و در عمل همدست رضا پهلوی، مجاهدین خلق و در شونینست بودن در قیال جنبش کردستان از آنها سبقت گرفتند.

## دمکراسی درون حزبی

نقدی اساسی بر احزاب موجود منجمد و محدود شدن دمکراسی درونی و کار کردن به شیوه ای بسیار قدیمی و بعضاً غیر دمکراتیک میباشد. حزبی جدید باید آماده باشد که به شیوه های متفاوت برای مسائل و خواستههای سیاسی معین در جبهه ای وسیعتر سیاسی کار کند. تمامی اعضای حزب باید شانس شرکت در مباحث سیاسی را در تمام مراحل از اول تا آخر داشته باشند و بطور واقعی دخیل و تاثیرگذار باشند.

منتخبین در حزب و یا ارگانهای سیاسی دیگر جامعه مثل پارلمان و غیره باید بطور مداوم نتایج کار سیاسی خودشان را به انتخاب کننده گان در جامعه (مردم) و در حزب (اعضا) گزارش دهند. مستلزم چنین کاری فضای باز و علنی برای بحث و تجدیدنظر در استراتژی و شیوه کار است.

رهبران احزاب جدید لازم است که در هنر گوش دادن و تلاش برای فهمیدن خواست، منظور و هدف مردم خیره باشند و فعالانه، و با جسارت و شهامت تمام مسئولیت همه سیاستهای اتخاذ شده را به عهده بگیرد.

آنها باید بتوانند توضیح دهند که چرا در بعضی مسائل تصمیماتی را اتخاذ کرده اند که با پرنسیپهای مورد توافق قبلی همخوانی ندارد و مستثنی است و همچنین بتواند از مسئولیت پذیری در قبال تمام جامعه بطور کلی، نه فقط حزب خودشان، به شیوه ای فعال دفاع کنند.

تکنیک مدرن امروزی به تمام ویا اکثر مردم علاقمند امکان میدهد تا در مباحث، جلسات بطور مستقیم از طریق کامپیوتر و یا از طریق شرکت در گروههای بحث در اینترنت، تلویزیون و ... شرکت کنند. اطلاعات وسیعی در اینترنت و سایر رسانه های عمومی در دسترس است و هر کس می تواند از آنها استفاده کند و آنها را افزایش دهد.

در مسائل مهم و پرنسبیبی همه پرسبی از اعضا و دوستداران حزب لازم و ضروری است و این کار با استفاده از اینترنت، تلفن، فاکس و ... بسیار عملی و آسان است. به این صورت شرایط برای عده بیشتری فراهم میشود تا در تصمیم گیری شرکت و دخالت داشته باشند.

ضروری است که شیوه های دیگری از پروسه های دمکراتیک مثل سنجش افکار عمومی در میان جامعه و اعضای حزب، همه پرسبی، مشاورت با شهروندان کارشناس و متخصص و ابزارهای جدیدی مثل «شاخص، راهنما و نشان دهنده راه سیاسی» بکار گرفته شوند و تکامل یابند. به این شیوه اتخاذ سیاست برای رهبری حزب و امکان دخالت شهروندان در سیاست و انتخاب سیاسی سهلتر می شود.

از حقوقهای بسیار زیاد و شرایط سخاوتمندانه غیر منطقی و امتیازاتی از این قبیل که باعث دور شدن و فاصله گرفتن سیاستمداران حرفه ای از اعضا و مردم انتخاب کننده می شود به شدت باید جلوگیری کرد.

حزبی سیاسی باید یک ایدئولوژی داشته باشد. اعضا و مردم انتخاب کننده باید بدانند که حزب مورد نظرشان به سرعت، 180 درجه به این یا آن سو تغییر جهت نمی دهد.

امر مهم دیگری مجاز بودن شکلهای از توافق و سازش سیاسی با حزبهای دیگر در سطوح مختلف است و به این شیوه حزب را به اهداف درازمدت تعیین شده نزدیکتر کرد. یعنی تمام تاکتیکها باید مثل حلقه های زنجیری به هم پیوسته در خدمت رسیدن به استراتژی حزب باشد.

تمام این توافقات و سازشها با احزاب دیگر باید به روشنی و شفافیت کامل برای مردم انتخاب کننده و اعضای حزب توضیح داده شود.

دمکراسی غیر مستقیم (از طریق نماینده) پایه مجامع پارلمانی را تشکیل می دهد و به این خاطر وظیفه نماینده ها، نماینده گی کردن اعضا و مردم انتخاب کننده است.

تصمیمات گرفته شده به شیوه ای دمکراتیک، باید مورد احترام همگی قرار گیرد. همزمان بسیار مهم است که نظرات اقلیت نه تنها سرکوب نشود، بلکه تشویق شود و همچنان حق و آزادی مطرح کردن نظرات خود را حتی بعد از اتخاذ تصمیمات از جانب اکثریت را داشته باشند. این یکی از پایه های سوسیالیسم آزاد و دمکراتیک است. مراجع تصمیم گیری باید از مرکز به منطقه و محل کسانی که این تصمیمات روی کار و زندگیشان تاثیر می گذارد، منتقل شود.

## پلاتفرم سیاسی حزب چپ

حزب سیاسی برای اینکه بتواند در جدلها و مباحث سیاسی و اجتماعی جایی به خود اختصاص دهد و به مردم نشان دهد که در صف بندیهای سیاسی کجا ایستاده است، باید دارای يك پلاتفرم سیاسی مشخص باشد. در وهله اول فرموله کردن اهداف سیاسی بطور کلی ضروری است.

بعد مطرح و فرموله کردن اهداف سیاسی (خصوصا اهداف و مسائلی که احزاب موجود موفق به پیشبرد آنها نشده اند و یا به بن بست رسیده اند.) که زمینه و ضرورت تشکیل حزبی جدید را که میخواهد در برون رفت از بن بست و پیشبردن تحولات سیاسی امروز و فردا نقش و وزنی داشته باشد، بسیار ضروری است. اینها و مواضع و مسائل سیاسی دیگر باید در يك پروسه دمکراتیک از جانب اعضا و دوستان حزب تکامل یابند و به جلو رانده شوند.

استراتژی سوسیالیستی در شرایط کنونی (سال 2007 میلادی) ضرورتا باید با استراتژی سوسیالیستی در سالهای 1970 میلادی (دهه های 1340-1350 شمسی) متفاوت باشد. بازگشت به راه حلها و توضیحات قدیمی، مثل مالکیت دولتی تمام مسائل پیچیده اجتماعی را حل خواهد کرد، دستاوردهای سوسیالیستی تاکنونی را تا سطح صرفا نوعی فن سخنوری و رتوریک "بی خطر" افست خواهد داد.

بجای اینها باید روی مسائل دمکراتیک و همبستگی در سطح جامعه خم شد و آنها را در دنیای واقعی و موجود سیاسی کنونی و نه در دنیای آرزوها و علایق مورد بررسی و فکوس قرار گیرد. راه حلی ساده و سریع برای چگونگی رسیدن به دمکراسی بیشتر و نفوذ و دخالت بیشتر بروی کار و زندگی خودمان و یا سازمان و شکل دادن به جامعه ای همبسته و متحد با نسلهای کنونی و آینده موجود نیست.

**1-** حزب میتواند مدعی و خواهان ایجاد فضای بازتر و علنی تر باشد و با گوشهای باز و شنوا در گفتگو و تماس مداوم با مردم انتخابکننده و دوستان حزب باشد.

**2-** حزب باید دارای جهتگیری بدست آوردن نتایج عملی، مثل ایجا تغییرات در زندگی روزانه انسانها در جامعه ای که بخش دولتی و مدنی در فراهم آوردن رفاه همدیگر را تقویت و تکمیل می کنند.

**3-** حزب مواظب و محافظ دمکراسی پارلمانی مثل دستاوردی تاریخی باشد و همزمان معتقد است که پارلمان و کار سیاسی در خارج مجامع منتخب مردم نیز تقویت کننده و مکمل همدیگر هستند. (اینجا محتوای دمکراسی پارلمانی مد نظر است و گر نه از لحاظ فرم، آرایش سازمانی و نام میتوان شکلهای دیگری مثل شورا، انجمن و ... نیز به کار گرفته شوند.)

**4-** برای کسب نماینده گی کردن پارلمانی قوی از طریق دست یافتن به تعداد هر چه بیشتر از صندلی های پارلمان و قدرت حکومت مثل ابزارهای برای پیشبردن اهداف حزب تلاش میکند.

- 5- جبهه وسیع و اکثریت که بر سازش و توافق استوار است را بر سکتاریسم و گروه‌گرایی و در حاشیه قرار گرفتن، ترجیح می‌دهد.
- 6- سیاست‌های اقتصادی مسئولانه و واقع بینانه را اتخاذ می‌کند و در مقابل پیشنهادها و آرزوهای مبالغه آمیز و غیر عملی که مشکلات را به نسل‌های آینده محول می‌کند قاطعانه خواهد ایستاد. از قبل باید چگونگی تامین بودجه و پول مورد نیاز هر پروژه و برنامه اقتصادی با کمک گرفتن از کارشناسان متخصص مورد بررسی قرار گیرد.
- 7- تحولات صنعتی و فنی در چند دهه گذشته به خاطر سودجویی سرمایه داران و کارخانه داران از لحاظ اکولوژی نا استوار و غیر قابل دوامند. برای جلوگیری از تکرار آسیب رسانی به منابع طبیعی و محیط زیست سیاست‌های که در این زمینه اتخاذ میشود باید از این مسئله مهم و حیاتی برای بشریت متاثر باشند.
- 8- مفهوم همبستگی را از لحاظ مکانی و زمانی گسترش دهد، به شیوه ای که در برگیرنده مردم در کشورها و قاره های دیگر (مکانی) و نسل‌های آینده (زمانی) شود.
- 9- تلاش می‌کند با نیروهای پیشرو در کشورهای دیگر همکاری بیشتری در رابطه با مسائلی مثل جلوگیری از بیشتر آلوده شدن هوا و محیط زیست، بیماری‌های واگیر، ترور، بیکاری و ... که همکاری‌های فرا دولتی را می‌طلبد به راه‌های مشترک دست یابند.
- 10- فمینیسم را مثل ابزاری برای اتخاذ سیاست‌های عملی با هدف اینکه شرایط برابر را برای زنان و مردان فراهم کند بکار خواهد گرفت.
- 11- سیاست چپ مدرن را نماینده گی می‌کند و عاقبت دگماتیسم و تزه‌های نیمه دوم قرن 1800 میلادی را پشت سر خواهد نهاد.

## پلاتفرم ایدئولوژیک

پلاتفرم ایدئولوژیک باید اصول و پرنسپ‌های یک حزب فعال را توضیح دهد و "روح" حزب را برای انطباق دادن فعالیت خود با واقعیت موجود توصیف کند. ذکر چند امر مهم که با هم میتوانند یک پلاتفرم مشترک حزب را تشکیل دهند ضروری است.

- 1- آزادی به معنای: تلاش انسان برای رهایی انسانیت از ستم، ارتقاء دادن و حفاظت از محتوایی دموکراسی پارلمانی، تلاش برای گسترش دادن و تعمیق بخشیدن دموکراسی در خارج از پارلمان، در محل

کار، محلات و مناطق مسکونی، مدارس، دانشگاهها و در وقت آزاد و فراغت انسانها، به عقاید دیگران احترام گذاشتن، فراهم کردن امکان برای اقلیتها که نظرات و مسائل خودشان را طرح، بیان کنند و عملاً به خواستههای خودشان دست یابند.

- 2- همبستگی به معنای:** تایید و تاکید کردن بر اینکه انسانها دارای ارزش برابرند، حق بر خورداری از شرایط و امکانات زندگی انسانی را مطابق با استانداردهای روز را دارند، هیچ نوع تبعیضی بخاطر جنسیت، تعلقات ملی، نژادی، مذهبی، سن و ... مجاز نیست، تلاش برای کاستن و از بین بردن اختلافات طبقاتی، کاستن هر چه بیشتر شکاف بین حقوق و دستمزدها.
- 3- فمینیسم:** تلاش با برنامه و عملی برای از بین بردن محرومیت‌های زن. زن و مرد باید در سطوح مختلف جامعه، محل کار، خانواده، وقت آزاد و ... دارای قدرت و آزادی برابر باشند.
- 4- محیط زیست سبز:** تولیدات، مصرف و آداب و رسوم زندگی باید با شرایطی که طبیعت توانایی پذیرش آن را دارد منطبق شود، و از دستاوردهای فرهنگی حراست شود. بر میزان و چگونگی استفاده از تمامی منابع طبیعی باید روحیه همبستگی با نسلهای آینده حاکم باشد.
- 5- انترناسیونالیسم:** حزب برای رسیدن به دنیای بی مرز و تشکیل يك مجمع جهانی بر مبنای پرینسپ يك انسان يك رای تلاش خواهد کرد. مراجع تصمیم گیری دمکراتیک بر فراز دولتهای ملی تشکیل و تقویت شوند.
- 6- پلورالیسم:** تشکیل جبهه های و همکاریها در اشکال و سطوح گوناگون بین مجموعه ای از تشکلهای جنبشهای مدنی، سیاسی و فرهنگی که در اساس دارایی چنین بینش و تفکراتی هستند.
- 7- فضای سیاسی باز و آشکار، علنی کاری:** احترام گذاشتن به عقاید دیگران در عمل. نسخه های از قبل بیچیده شده برای آینده قابل اعتماد نیست و نخواهد بود. سکتاریسم و دگماتیسم مردود است. فراهم کردن امکان نظارت، کنترل و حسابرسی بر تمامی کارهای ارگانهای تصمیم گیرنده در سیاست، اقتصاد، امنیت (نظامی) و ... برای تمامی افراد جامعه.
- 8- دمکراسی:** حفاظت از دمکراسی پارلمانی. کار سیاسی در خارج از پارلمان در ارگانهای منتخب مردم با کار پارلمانی همدیگر را تکمیل کنند. وجود نماینده پارلمانی و دولت قوی مثل ابزار تحقق بخشیدن به عقاید سیاسی لازم و ضروری است. جبهه و بلوک اکثریت باید بر مبنای سازش و توافق باشد و به شدت از سکتاریسم و در حاشیه قرار گرفتن پرهیز شود. سیاستها باید بر مبنای احساس مسئولیت کامل اتخاذ شود. سیاستهای اقتصادی باید واقعینانه و عملی باشند. از اتخاذ سیاست بر مبنای آرزوهای بزرگ مبالغه آمیز و غیر عملی که نه تنها مشکلات روز را حل نخواهد کرد بلکه عملاً باعث محول کردن مسائل و مشکلات موجود به نسلهای آینده خواهد شد، پرهیز کرد.

## اهداف حزب

اهداف حزب بوجود آوردن جامعه ای متحد و به هم پیوسته و جلب و جذب انسانها به فعالیت سیاسی برای تقویت دمکراسی است. فعالیت و نظرات اعضا باید حزب را هدایت و رهبری کند. حزب باید ظرفهای متعددی برای پیش

بردن مباحث و جدلهای سیاسی داشته باشد که در آنجا با تحمل به نظرات و عقاید همدیگر صرفنظر از سن، جنسیت، تعلقات ملی و نژادی، سابقه فعالیت در حزب و ... گوش داده و احترام گذاشته میشود.

برای جلوگیری از انشعابات غیر ضروری و به هدر رفتن انرژی متحد در حزب، تلاش برای بوجود آوردن هم فکری و وحدت نظر در سطح هر چه وسیعتری در حزب بسیار ضروری است. بنابر این اختصاص دادن وقت لازم به مباحث در سطوح مختلف، قبل از اینکه خط و مشی سیاسی حزب در مسائل مهم و اصولی تثبیت شود، بسیار مهم است.

فضای باز و علنی در پیش بردن مباحث و احترام گرفتن به نظرات اقلیت، در بعضی موارد دادن فضا و امکان بیشتر از حد معمولی که تصمیم و توافق اکثریت اجازه میدهد به اقلیت، از خصوصیات بنیادی حزب است. (تبعیض مثبت به نفع اقلیت).

تلاش برای کاهش بورکراسی در سطح جامعه، کمک کردن به تفویض قدرت تصمیم گیری به ارگانهای نزدیک به شهروندان در محل کار، مدارس، دانشگاه ها، ادارات، محله و ... و دوری جستن از هدایت و رهبری مرکزی و سراسری (به جزء در مواردی معدود و استثنائی که مصالح کل مردم ایجاب میکند) یکی از اهداف حزب است. این تلاش و جهت گیری برای مجامع بین المللی نیز معتبر است.

تغییر دنیا و کشوری معین ممکن است، اما توضیح و توصیف جامعه در آینده ای دور نه ممکن است نه مطلوب و نه ضروری و نه دمکراتیک که برای نسلهای آینده تعیین تکلیف کرد.

در جامعه مطلوب و مورد نظر ما هم تضادهای زیادی در درون و در بین انسانها وجود خواهد داشت، ولی اختلافات باید به شیوه ای صلح دوستانه و در گفتگوهای باز، علنی، آزاد و رسمی حل شوند.

برابری حقوق و هم ارزش و یکسانی انسانها اصلی بنیادی است. زنان و مردان، جوان و پیر، سالم و مریض همه افرادی متفکر و مستقل هستند (نه جمعی دنباله رو و بی اراده) که میتوانند به خودشان و به دیگران مثل انسان بیاندیشند، توافق کنند و متشکل شوند.

فعالیت حزب باید متبلور از ارزشهای مثبتی مثل سادگی، علنی کاری و ایجاد فضای باز و گشوده، تحمل، آزادی، جرئت و شجاعت باشد. آزادی بیان و مطبوعات بدیهی است.

شیوه ای مهم برای برقراری ارتباط و تماس با مردم در موقعیت سیاسی مهم عبارت است از تعیین اولویتها و ارجحیتها است. بدینوسیله تبدیل کردن مسائل بزرگ و پیچیده سیاسی و اجتماعی برای مخاطبین خود به مسائل کوچکتر، ساده تر، قابل فهم و تشخیص که قدم به قدم و به اندازه قدرت، امکان و آماده گی مردم به هدف بزرگتر نزدیک و نزدیکتر میشود، امر حیاتی است.

## نام حزب:

همه سمبل ها و نام ها حامل نوعی ارزش مثبت یا منفی با خود هستند. انتخاب نامی آشنا در میان مردم برای هر حزبی به قیمت هزینه های مادی و معنوی هنگفتی تمام شده و گره خورده است، که برای حزبی تازه کاری دشوار و سنگین اما همزمان ممکن است.

اعضای حزب جدید پایه و اساس حزبی را که در بالا معرفی شد را بنیاد می نهند که مثل آلترناتیو در درون و در مقابل حزبهای موجود فعالیت خواهد کرد.

اعتماد به نفس، شجاعت، آزاد منشی، موضع گیری شفاف و علنی، خود را مطرح کردن به شیوه ای ساده، تمام آشکار و بی پرده در ارائه و طرح افکار جدید ارزشهای هستند که حزب جدید با خود حمل خواهد کرد. برای پیش کشیدن و مطرح کردن مفاهیم تازه و شیوه تفکر جدید و متفاوت با افکار مرسوم معمولاً بهایی زیادی پرداخت می شود، تشکیل حزب جدید باید مورد بررسی و ارزیابی دقیق قرار گیرد.

## رهبری:

در کنار مواضع سیاسی آشکار و شفاف وجود رهبری سیاسی و تشکیلاتی نیز ضروری است. حزب جدید به اعضا و کادرهای مجرب و شناخته شده در عرصه ها و مناطق گوناگون احتیاج دارد. نقش رهبری در جامعه تحت نظر و کنترل میدیا امروز بسیار مهم است، چون میدیا امروز در جوامع دمکراتیک کم و بیش نقش کنترل کننده قدرت را به خود گرفته است. حزب جدید لازم است از شناخته شده گان برای ارائه نقد و بینشهای آینده نگر و مدرن کمک بگیرد. رهبری حزب با قدرت و توانایی گوش دادن به اعضا و دوستان خود و در ارتباط تنگاتنگ با میدیا، احزاب و جنبشهای دیگر، همیشه آماده اتخاذ مواضع سیاسی جدید در مقابل شرایط جدید است.

## پول و پرسنل:

فضا و نیاز سیاسی است که اساس و امکان پیشروی را تعیین میکند. زمینه و امکان پیشروی حزب جدید بر پر کردن خلاء سیاسی و نارضایتی از وضع موجود استوار است. تشکیلات به پول و اعضا احتیاج دارد. دخل و خرج حزب باید علناً به مردم و اعضای حزب گزارش داده شود. در رهله اول بسیار مهم است که کسانی که در رهبری قرار می گیرند بتوانند پیام و مواضع سیاسی حزب را به شیوه ای "کم خرج" و ساده بدون اینکه در جزئیات غرق شوند و یا به دنبال مسیری از اشتیاق و علاقه خوب که بخواهند جواب همه مسائل و مشکلات را داشته باشند بیفتند.

پایان

مارس 2007.

[Raza\\_mostafasoltani@yahoo.com](mailto:Raza_mostafasoltani@yahoo.com)